

شراکت و مکافات



نیروهای سازماندهی شده توسط اردوغان بلافاصله
پس از آتش بس لبنان و ضعیف شدن موضع نتانیاها
در سوریه عملیات گسترده داشتند

۱۵ و ۸

وفاق، پزشکيان و قالیباف

زنده باد واقع گرایی



سیاست داخلی که هیجان از آن چیزی است که سوزهای آدم را به هیجان نوشتن بیندازد، اما بالاخره گهگاهی در روابط اهالی رسمی سیاست اتفاقاتی می افتد که نفس کم رونق آن را تند می کند. ماجرا اما ظاهر و باطنی دارد؛ ظاهر آن به جدال درباره قانون به کارگیری افراد در مشاغل حساس مربوط است و باطن آن به وزن کشتی و انتخاب مهرو و حرکات صفحه شطرنج هرکدام از ذی نفعان؛ برای همین مانند در سطح ظاهر و بحث درباره اینکه هرکدام از این افراد و گروه ها چه نظری دارند و کدام درست می گویند لازم اما به غایت ناکافی است. صورت مسئله، رابطه دولت و مجلس کنونی است که علاوه بر قاعده همکاری قرار در عرف سیاست ایرانی، تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. افزون بر این تنها عنصر واحد و مشخص در گفتار سیاسی رئیس جمهور جدید هم ارتباط زیادی با رابطه نهادها و ساختار قدرت دارد. «وفاق ملی» در ادبیات مسعود پزشکیان محور معرفی شد و بعدتر شعار دولت او شد. حال اما تحت تأثیر موضع مجلس درباره به کارگیری بعضی افراد در دولت به خاطر محدودیت های قانونی جدالی لفظی میان دو طرف شکل گرفته است. دولت می گوید برای وفاق ملی مجلس باید با گزینه های رئیس جمهور مخالفت نکند، چون پزشکیان بر همان اساس وفاق عمل سعی می کند دولت متعادلی داشته باشد. این اما ظاهر ماجراست و باید بر اساس نگاهی کلان به آرایش نیروهای سیاسی و آنچه پیش روی ایران است، تصمیم و عمل هرکدام را استخراج و پیشنهادهایی ارائه داد.

اول، کلان مسئله ها و وفاق: هر چند معنای مشخص وفاق ملی مانند بسیاری از دیگر مفاهیم و شعارهای سیاسی مشخص نیست و بیشتر به ابزاری برای گفت و گو با جامعه می ماند، اما اگر مبنای برداشت سادگی از وفاق آن را به معنای همکاری و همدلی بین نیروهای سیاسی فرض کنیم، این مفهوم امکان محدودی برای حل کلان مسئله ها دارد. اختلاف نظر ها در سیاست خارجی که در کش و قوس مفهوم مذاکره و اینکه کدام مسیر درست است، ارتباط اندکی با وفاق دارد. همانطور که میان سه دیدگاه کلان داخل ایران درباره سیاست خارجی نمی توان با توصیه اخلاقی پیرامون همکاری و همدلی مشکل را حل کرد. دیدگاهی که بعد از هر انتخابات در آمریکا فارغ از فرد پیروز از فرصت طلایی پیرامون بستن یا شکنجتن حرف می زند، نمی تواند با دیدگاهی که به اسم مذاکره اثری دارد، وفاق کند. اساساً به میدان آوردن مفهوم وفاق در این صورت بندی بیش از حد سرکاری و بی فایده است. دیدگاه سوم درون ایران در خصوص سیاست خارجی مذاکره را بر اساس اهدافی مشخص ابزاری برای تأمین منافع می داند و به تمام مؤلفه های قدرت ملی توجه می کند. توافق را نه ذاتاً مقدس می بیند و نه آن را عملی الهادی که باید کف پوش به مبارزه با آن پرداخت. رؤیایرود از نیست وقت کشور را معطل نمی کند. واقع بین است و همه نیروهای سیاسی پایبند به منافع ایران را به کار می گیرد. اساساً مسیطره و دیدگاه اول ضد منافع ملی و به کارگیری دیدگاه سوم به نفع ایران است. وفاق هم بی ربط به این مسئله.

چالش های اقتصاد ایران چه از منظر کارکردی و چه از نظر انتخاب های اساسی در سطح کلان، هم با وفاق درمان نمی شود. دیدگاه هایی که شوک درمانی را کلید می دانند یا دیدگاه هایی که به توهم علمی نزدیک ترند، با وفاق مشکل شان حل نمی شود. این لیست می تواند ادامه دار باشد. مسئله این است که اساساً وفاق ربطی به حل چالش ها ندارد. این البته نافی عقلانی بودن همکاری قوا و تمام ارکان تصمیم گیری کشور نیست، همکاری و همدلی زمینه رسیدن به راه درست در کلان مسئله ها را می تواند ایجاد کند اما خودش راه ایجاد نمی کند. منطق رابطه درست میان ارکان قدرت است، نه منطق انتخاب های درست.

دوم، دوره های پزشکیان: رئیس جمهور جدید در یک انتخابات غیرمنتظره و شرایطی خاص به قدرت رسید. ایده اجرایی خاصی نداشت و ارجاع به کارشناسان در تمام زمینه ها را با شعار وفاق ترکیب کرد. ترکیبی که هر دو نام مفهوم و ناقص الخلقه اند. همانطور که اکنون در دولت در همه زمینه ها دیدگاه های کارشناسی متضادی وجود دارد. وفاق اما با دو هدف سیاسی مطرح شد؛ یکی تنظیم بدنه رأی پزشکیان برای پذیرش برخی تصمیمات دولت او که نیازمند جلب نظر دیگر نهادهای قدرت است و یکی هم ابزار چانه زنی درون قدرت تا در تصمیماتی تغییر ایجاد کنند. هر دوی این اهداف به آرایش سیاسی نیاز دارند و هر نوع جدل و تنش همین میزان کارکرد وفاق را هم فلج می کند. فهم انتخاب وفاق البته با نگاه به شخصیت پزشکیان قابل درک تر است اما اگر دولت چهاردهم از وفاق، چوبی برای حمله به منتقدان بسازد، نه می تواند بدنه نحیف رأی خودی را حفظ کند و نه می تواند در قدرت فضایی برای تصمیمات سخت بسازد.

حالا با همین دیدگاه سراغ یک مسئله روز بویوم در حالی که مجلس به ریاست قالیباف به تمام کابینه پیشنهادی پزشکیان رأی اعتماد داد و حمایت زیادی از دولت جدید کرد، به خاطر مخالفت با یک انتصاب توسط دولتی ها به لبه تیغ رفت. پزشکیان اگر همان رفتاری را که با رقیب دور دوم انتخابات داشت با قالیباف هم انجام دهد، غیر از ایجاد خوراک رسانه ای برای بخشی از بدنه اصلاح طلب، سود دیگری نمی برد. اکنون وقت انتخاب است، حتی دولت روحانی با رأی قابل توجه و بدنه اجتماعی قدرتمندتر و ابزارهای متفاوت قوه مجریه در آن زمان، نزدیک شدن به مجلس را ترجیح می داد.

سوم، تصمیم جدید قالیباف: رئیس مجلس در تغییر فرمان جدیدی می خواهد فاصله خودش با دولت پزشکیان را تنظیم کند. قالیباف شاید اگر تجربه دوامه اخیر را داشت و به سرنوشت لاریجانی توجه می کرد، در رأی اعتماد متفاوت رفتار می کرد و از ابزار قانونی مجلس بهره بهتری می برد. رأی اعتماد کامل به کابینه پیش از تصور عمومی از میزان همکاری مجلس با دولت بود و می توانست رخ ندهد. قالیباف اما به سیاق ساختار شخصیتی خودش در نقش همدلی و وفاق بیش از حد فوریت و حالا گویا می خواهد اصلاحاتی انجام دهد. معنای همدلی و همکاری که رهبر انقلاب از مجلس خواسته اند به معنای نفی استقلال مجلس نیست، چه آنکه کارکرد قالیباف در کرسی ریاست مجلس و تنظیم گری نیروهای سیاسی رقیب دولت کنونی در صورت ادامه دست فرمان قبلی به صورت کامل از دست می رفت. قالیباف در تمام کلان مسئله ها از جمله سیاست خارجی، اقتصاد و... باید بتواند مرز و تفاوت خودش را با دیدگاه های رادیکال و بین بست ساز مشخص کند. این راهبرد فرصت ساز و بهبود دهنده جایگاه مجلس هم خواهد بود. معنای این کنش



قالیباف تلاش می کند سرنوشتی مانند لاریجانی پیدا نکند که عملاً شریک سیاسی روحانی شد

او ضمن حمایت از دولت با پزشکيان مرزبندی می کند

درس عبرت لاریجانی



گزارش «فرهنگیستان» از پشت صحنه ضبط برنامه «اکنون» که علی رغم استقبال عمومی پس از پخش تنها یک قسمت توقیف شد

گزارش شاخص هوش مصنوعی ایران ۱۴۰۳ چه می گوید؟

اوضاع خوب نیست! پایان باز

۱۲

۵

خلاصه آنگهی عرضه عمومی
جایگاه های سوخت
شماره شناسه ۱۸۳۱۵۱۹ - شماره م. الف ۲۹۸۶
ارجاع شود به صفحه ۴

ما را در فضای مجازی هم دنبال کنید
www.Farhikhtegandaily.com